

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A.)

گرایش: تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان:

نصرت الدوله فیروز

استاد راهنما:

دکتر محمدنبی سلیم

استاد مشاور:

دکتر مصیب عباسی

نگارش:

مهران حسنی

۱۳۸۹ / ۳ / ۱۷

تابستان ۱۳۸۸

توجه: اطلاعات در این کتاب
توسط مرکز

ب

۱۳۷۹۰۶



دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A»

گرایش: تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان:

نصرت الدوله فیروز

نگارش:

مهبران حسینی

تابستان ۱۳۸۸

۱. دکتر محمد نبی سلیمی

۲. دکتر مصیب عباسی

۳. دکتر مهتری ادیسی آریمی

هیأت داوران:

ح

سپاسگزاری

در پایان از تمام اساتید و معلمان خود در تمام مراحل تحصیل خصوصاً دانشگاه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد قدردانی و سپاسگذاری می نمایم. همین طور از بذل عنایت استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر سلیم و استاد گرانقدر مشاور جناب آقای دکتر عباسی از صمیم قلب عرض ارادت می نمایم. در اینجا به جاست از تمام عزیزانی که یاریم دادند تا این پژوهش در این شمایل هویدا گردد سپاسگذارم، همینطور از پرسنل کتابخانه های عمومی شیراز، سازمان اسناد ملی، کتابخانه آزاد اسلامی واحد شاهرود و تمام عزیزانی که به این حقیر لطف داشته و به ادامه کار امیدوارم نمودند قدردان و متشکرم. و در پایان لازم می دانم سپاس و قدرانی خالصانه ای داشته باشم از اعضای خانواده ام و خانواده محترم همسر که در طی مدت تحصیلم با وجود مشکلات و سختی ها با صبر و تحمل خود مشوق من بوده اند.

تقدیم به:

پدر و مادر و همسر گرامی ام

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه

فصل اول: کلیات

۷.....	۱-۱ هدف
۷.....	۳-۱ روش تحقیق
۷.....	۲-۱ پیشینه تحقیق

فصل دوم: تاملی بر روند تاریخی تحولات ایران در دوره قاجار

۹.....	۱-۲ اسیر رخدادهای
۹.....	۱-۱-۲ پایه ریزی یک دولت نوین (آقا محمدخان)
۱۰.....	۲-۱-۲ عبور از بحران روابط خارجی (فتحعلی شاه و محمدشاه)
۱۲.....	۳-۱-۲ مقدمات تشکیل دولت مدرن (ناصرالدین شاه)
۱۴.....	۴-۱-۲ چالش اقشارمتوسط با حاکمیت (نهضت مشروطه)
۱۵.....	۵-۱-۲ سلطنت محمدعلی شاه
۱۷.....	۶-۱-۲ احمدشاه
۱۹.....	۲-۲ ساختار نهاد اجرائی

- ۱۹-۲-۲ شاه و بدنه سلطنت
- ۲۱-۲-۲ نخبگان حاکم در ساختار سیاسی-اداری
- ۲۲-۲-۲ شاهزادگان و رسوخ در سامانه مدیریت
- ۲۴-۲-۲ درباریان و دیوان سالاران
- ۲۵-۲-۲ رؤسای ایلات و زمینداران
- ۲۷-۲-۲ نیروی شهروندان
- ۳۳-۲-۲ دیوان سالاری در مسیر دگردیسی
- ۳۴-۲-۲ چالش سنت و تجدد

فصل سوم: خاندان فرمانفرما

- ۴۳-۱-۳ عبدالحسین میرزا- زندگی نامه
- ۴۶-۱-۳ از حکومت کرمان تا صدارت
- ۵۴-۲-۳ فرمانفرما در فارس
- ۵۵-۲-۳ نصرت الدوله فیروز
- ۵۵-۱-۳ زندگینامه نصرت الدوله فیروز
- ۵۸-۲-۳ نصرت الدوله و قرارداد ۱۹۱۹
- ۶۰-۳-۲ قرارداد ۱۹۱۹ از دیدگاه دیگران

فصل چهارم: رضا شاه پهلوی و خاندان فیروز

- ۴۳-۱-۴ کودتای ۱۲۹۹.ش و عملکرد نصرت الدوله

- ۱-۴-۱ آرمان متجددین و تاسیس دولت نیرومند ۷۶
- ۱-۴-۲ نصرت الدوله در کمیته آهن ۷۷
- ۱-۴-۳ رضاخان میرپنج (عامل نظامی کودتا) ۷۹
- ۱-۴-۴ سید ضیاء الدین (عامل سیاسی کودتا) ۸۲
- ۱-۴-۵ فعالیت های اجرایی کابینه سیاه ۸۴
- ۱-۴-۶ فرآیند و نتایج کودتای سوم اسفند ۹۳
- ۱-۴-۷ کودتا و خاندان فرمانفرما ۱۰۵
- ۲-۴-۲ نصرت الدوله در میدان سیاست ۱۰۶
- ۱-۲-۴ کارنامه نصرت الدوله در وزارت خارجه ۱۰۶
- ۲-۲-۴ مجلس چهارم و نصرت الدوله ۱۲۰
- ۳-۲-۴ تکاپوهای نصرت الدوله در مجلس چهارم ۱۲۳
- ۴-۲-۴ فرجام مجلس چهارم و ادامه ماجرای نصرت الدوله ۱۲۶
- ۵-۲-۴ انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی و نقش فیروز ۱۲۸
- ۶-۲-۴ از زندان تهران تا تبعیدگاه سمنان ۱۲۹

فصل پنجم: نتیجه گیری

- نتیجه گیری ۱۳۸
- منابع و مآخذ ۱۴۰
- چکیده انگلیسی ۱۵۰

چکیده

نصرت الدوله فیروز فرزند عبدالحسین خان فرمانفرما از رجال متنفذ و پر حاشیه در جابجایی قدرت از سلسله قاجاریه به سلطنت پهلوی می باشد.

عملکرد سیاسی نامبرده را می توان در انتصاب در وزارت خانه های مالیه و عدلیه، همراهی احمد شاه در سفر اروپا، انعقاد قرارداد ننگین ۱۹۱۹ به همراهی وثوق الدوله، یکی از سه کاندیدای اصلی انگلستان جهت در دست گرفتن قدرت پس از احمد شاه، همراهی رضاشاه و تقویت پایه های سلطنت پهلوی و قرار داشتن در یکی از سه ضلع مثلث قدرت در همین زمان دانست.

هدف در این پژوهش بررسی کارنامه سیاسی نصرت الدوله فیروز می باشد در خصوص نامبرده، تحقیقات محدود و اندکی صورت گرفته برای نمونه تحقیقات خانم منصوره اتحادیه در خصوص خاندان فرمانفرما به همراه چند مقاله و پژوهش از سوی محققین قابل اعتناست.

نتیجه به دست آمده از این پژوهش در حول و حوش این مطلب دور می زند که خاندان متنفذ فرمانفرما دارای کارکردهای متعددی بوده که از آن میان عبدالحسین خان و پسرش نصرت الدوله از حواشی بیشتری برخوردار می باشند تا آنجا که در خصوص نصرت الدوله می توان دیدگاه های کاملاً متفاوتی از سوی مورخین مشاهده کرد خصوصاً در مسئله قرارداد ۱۹۱۹، انتخابات مجلس چهاردهم و وزارت مالیه و امور خارجه نام برد.

کلید واژه ها:

قاجاریه، نصرت الدوله فیروز، قرارداد ۱۹۱۹، عبدالحسین میرزا فرمانفرما

مقدمه

بیان مسئله

فیروز معروف به نصرت الدوله، فرزند عبدالحسین میرزا فرمانفرما، در ۱۲۶۴ ه. ق در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در آذربایجان تحت نظر معلمین خصوصی فرا گرفت و تا حدی زبان فرانسه را نیز آموخت. در ۱۳۱۷ ه. ق برای ادامه تحصیل عازم بیروت گردید و دوره متوسطه را ظرف پنج سال طی کرد. در ۱۳۲۲ که پدرش فرمانفرما برای بار سوم حکومت کرمان را گرفت، فیروز میرزا را به تهران خواست و با درخواست لقب نصرت الدوله او را به نیابت خود در کرمان تعیین نمود. فیروز قبلاً لقب سالار لشکر داشت که آن هم به پسر دوم فرمانفرما به نام عباس میرزا داده شد. نیابت حکومت فیروز در کرمان دو سال طول کشید ولی شدت عمل و جوانی و ناپختگی او موجب رنجش و ناراحتی غالب مردم کرمان شد و لاجرم از کار خود معزول و به تهران آمد. در مشروطیت و استبداد صغیر کاری نداشت تا اینکه مجدداً برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در پاریس در رشته حقوق و علوم سیاسی درجه لیسانس گرفت. پس از مراجعت به ایران، معاون وزیر عدلیه گردید تا اینکه در شهریور ۱۲۹۵ ه. ق در کابینه اول وثوق الدوله به وزارت عدلیه منصوب شد.

در ۱۲۹۷ ه. ق در کابینه مجدد وثوق، وزیر عدلیه و در ترمیم همان کابینه به وزارت امور خارجه رسید. قرارداد ۱۹۱۹ در زمان حکومت این دولت اتفاق افتاد و کارگردانان آن وثوق الدوله و صارم الدوله و نصرت الدوله بودند که گویا انگلیسی ها برای انجام کار مبلغی داده بودند. در سفر اول سلطان احمد شاه، به اروپا، نصرت الدوله به سمت وزیر امور خارجه جزء همراهان بود و در انگلستان پذیرایی مهمی از احمد شاه به عمل آمد. این پذیرایی برای تنفیذ و امضاء قرارداد به وسیله احمد شاه بود. نصرت الدوله تلاش خود را به کار برد تا احمد شاه را راضی به امضاء قرارداد نماید ولی موفق نشد و قرار سر نگرفت.

نصرت الدوله در ۱۲۹۹ مقارن کودتا از اروپا به ایران آمد و شایع بود که نامبرده قصد کودتا دارد ولی به محض ورود به تهران به وسیله سید ضیاء الدین بازداشت و به اتفاق پدر و برادرش سالار لشکر به زندان رفتند و در تمام مدت حکومت سید ضیاء در زندان بود. پس از استخلاص از زندان، والی فارس شد و مدت دو سال با قدرت کامل فرمانروای فارس بود. در دوره پنجم از کرمانشاه به وکالت انتخاب شد و در این مجلس بین نصرت الدوله و مدرس آشنایی و

دوستی بسیار نزدیکی ایجاد شد. ولی هنگام طرح اعتبارنامه او عده زیادی به مخالفت برخاستند و با پیش کشیدن قرارداد ۱۹۱۹ رد اعتبار نامه او را خواستار شدند. مدرس به دفاع پرداخت و با استفاده از باب توبه در فقه مدلل ساخت که شاهرزاده توبه کرده است اگر چه توبه گرگ مرگ است و از طرفی قرارداد که سر نگرفته است تا او متهم شود. در هر حال با کمک مدرس اعتبارنامه نصرت الدوله به تصویب رسید و نائب رئیس مجلس شد. سرانجام در اثر اصرار مدرس وارد کابینه سردار سپه شد و در ترمیم کابینه به وزارت دادگستری منصوب شد.

مدرس در مجلس چند نفر کارگردان داشت، یکی قوام الدوله صدری و دیگر نصرت الدوله بود که هر دو را وارد کابینه کرد. در زمانی که نصرت الدوله در کابینه سردار سپه وزیر عدلیه بود مدرس غالباً روی کاغذ سیگار توصیه یا دستوراتی صادر می کرد که آنرا انجام می گرفت. در بهمن ۱۳۰۵ در ترمیم کابینه مستوفی، نصرت الدوله به وزارت مالیه معرفی شد و در کابینه مخبرالسلطنه هدایت نیز دارای همان سمت بود تا اینکه در ۱۳۰۸ تحت تعقیب دادگستری واقع شد و در دیوان عالی کشور محاکمه گردید. محکومیت او چهار ماه زندان و محرومیت از خدمات اجتماعی بود و پرداخت مبلغی غرامت. در ۱۳۰۹ به استدعای مستوفی و موافقت رضاشاه از زندان به منزل منتقل گردید. در ۱۳۱۵ مجدداً دستگیر و به سمنان تبعید شد. پس از چندی در زندان سمنان تلف شد. هنگام فوت ۵۲ سال داشت.

نصرت الدوله مردی تحصیل کرده، باهوش و خوش خط و ربط بود. به کارهای سیاسی دلبستگی داشت به طوری که وقتی دادستان هنگام محاکمه، شغل او را پرسید پاسخ داد سیاست. سردار اسعد و سرلشگر شیبانی از دوستان بسیار نزدیک او بود که بسال ها کارهای سیاسی کشور با نظر آنها حل و فصل می شد.

علت دستگیری و بازداشت و محاکمه و قتل نصرت الدوله مربوط می شود به قضایای فارس که در ۱۳۰۸ اتفاق افتاد گویا نصرت الدوله به اتفاق صارم الدوله والی فارس با کمک سردار اسعد بختیاری قصد برانداختن رژیم پهلوی را داشتند، موضوع قبل از آنکه آفتابی بشود فاش می گردد و قوای نظامی غائله را مختومه می کند. سردار اسعد و نصرت الدوله که از بانیان حکومت سردار سپه بودند و زیر علم او سینه می زدند، آنچنان دستمزد خود را دریافت کردند. صارم الدوله تا شهریور ۱۳۲۰ تحت نظر بود و در اصفهان در انزوا زندگی می کرد. معروف است چون صارم الدوله از انگلیسیها نشان مهمی داشت که یکی از امتیازات صاحب نشان حفظ جان او از طرف انگلیس ها بوده است از مجازات رضا شاه جان به در برد. نصرت الدوله در ادوار چهارم، پنجم و ششم نماینده مجلس بود.

سوال اصلی

جایگاه سیاسی نصرت الدوله در تقسیم بندیهای قدرت در اواخر سلطنت قاجاریه و ظهور سلسله پهلوی چگونه

بوده است و کارکردهای نامبرده در شکل گیری برخی رخدادهای محوری شامل چه مواردی میگردد؟

سوالات فرعی

۱. مهم ترین ویژگی های ساختار قدرت همزمان با حیات سیاسی نصرت الدوله شامل چه مواردی می گردد؟
۲. خاندان فرمانفرما چه جایگاهی در مناسبات سیاسی ایران همزمان با فرمانفرمایی دو سلسله قاجار و پهلوی دارا بودند؟
۳. نقش و عملکرد نصرت الدوله در کابینه و ثوق الدوله و انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ چگونه بوده است؟
۴. جایگاه نصرت الدوله در شکل گیری سلسله پهلوی و خصوصاً قدرت یابی رضا شاه چگونه بوده است؟

فرضیه اصلی

خاندانهای حکومتگر و آریستوکراسی موجود در بدنه حکومت قاجاریه میتواند این فرضیه را تقویت کند که بسیاری از مناسبات سیاسی و فراز و نشیب های مشهود متأثر از اعمال سلیقه و نفوذ فوق العاده این طبقه از جامعه ایرانیست که در این میان بررسی کارنامه سیاسی برخی چهره ها از اهمیت بیشتری برخوردار میباشد.

فرضیه های فرعی

۱. ساختار قدرت در اواخر دوران قاجاریه و ابتدای ظهور سلسله پهلوی را می توان در این موارد بر شمرد.
 - الف) شاه در رأس هرم قدرت
 - ب) نخبگان حاکم در نظام سیاسی اداری
 - ج) شاهزادگان، درباریان و عناصر بالای دیوانی
 - د) رؤسای ایلات بزرگ
 - ه) خوانین روستا و حکام منطقه ای.
۲. حیات سیاسی خاندان فرمانفرما به صورت اخص از دوران مظفرالدین شاه وارد مرحله تازه ای شد تا بدان جا که خواهر غلامحسین خان فیروز با وصلت با خاندان سلطنتی در مناسبات سیاسی وارد شده و پیوسته با شیب قابل

اعتنایی به سوی بالا پیش رفت. فرزندان متعدّدش هم بعدها مناصب مهمی را اشغال کرده که نصرت الدوله مهم ترین آنان بوده، البته نباید از جایگاه مریم فیروز همسر نورالدین کیانوری غافل ماند.

۳. نصرت الدوله در کابینه وثوق الدوله تلاش های مکرری به عمل آورد تا قرارداد ۱۹۱۹ تصویب شود. همان قراردادی که بعدها صحبت ها و موضع گیری های متعددی در قبال آن شکل گرفت.

۴. نصرت الدوله را یکی از چهار ضلع اصلی قدرت یابی سلسله پهلوی به شمار می آورند، نامبرده در کنار مردانی چون تیمور تاش، داور و فروغی تلاش های بسیاری به عمل آورد تا سلسله تازه تأسیس پهلوی در پیکره جامعه ایران ریشه بدواند.

چهارچوب تحقیق

این پژوهش در پنج فصل تنظیم گردیده است. **فصل اول** به کلیات **فصل دوم** با عنوان تاملی بر روند تاریخی تحولات ایران در دوره قاجار، به موضوعاتی از قبیل پایه ریزی یک دولت نوین، عبور از بحران روابط خارجی، و مقدمات تشکیل دولت مدرن در عصر ناصرالدین شاه و اوضاع ایران در دوره سلطنت محمدعلی شاه و احمدشاه و در بخش دوم همین فصل به ساختار نهاد اجرایی از قبیل شاه، نخبگان حاکم، شاهزادگان، درباریان، روسای ایلات و زمینداران و نیروی شهروندان پرداخته شده است. در **فصل سوم** به بررسی جایگاه خاندان فرمانفرما پرداخته ایم که خود شامل این موارد می گردد: زندگی نامه عبدالحسین میرزا، از حکومت کرمان تا صدارت، ولایت فارس و عبدالحسین خان فرمانفرما، زندگینامه نصرت الدوله فیروز، نامه نصرت الدوله به سالار لشکر در خصوص قرارداد، قرار داد ۱۹۱۹ از دیدگاه دیگران، مبارزات خارجی با قرارداد. در **فصل چهارم** نیز رابطه رضا شاه پهلوی و خاندان فیروز مورد بررسی قرار گرفته است، بخش اول این فصل دارای مباحثی از قبیل کودتای ۱۲۹۹ شمسی، نصرت الدوله در کمیته آهن، رضاخان و سید ضیاء به عنوان عاملین نظامی و سیاسی کودتا و نتایج کودتا و نقش خاندان فرمانفرما در کودتا می باشد، و در بخش دوم نیز کارنامه سیاسی نصرت الدوله از نمایندگی تا قتل او در سمنان مورد کنکاش قرار گرفته است. **فصل پنجم** نیز به نتیجه گیری بحث اختصاص داده شده است.

فصل اول:

کلیات

۱-۱ هدف

هدف در این پژوهش بررسی عملکرد نصرت الدوله فیروز در دوران پرنشیب و فراز فعالیت های سیاسی او

می باشد.

۲-۱ پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع مورد نظر تنها می توان با آثار و نوشته های خانم منصوره اتحادیه (نظام مافی) اشاره کرد که تحقیقات ارزنده ای در خصوص نصرت الدوله و خاندان فرمانفرما انجام داده است اما در این میان می توان به برخی آثار دیگر از پژوهشگران حوزه تاریخ معاصر خصوصاً شخصیت های تاریخ قاجار و پهلوی هم اشاره کرد نظیر: اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، منتظم ناصری، بهار (ملک الشعراء)، محمد تقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی در ایران، سلیم، محسن، تاریخ قاجار، (ایران در دوران فرمانروایی دودمان قاجار)، سیفی قمی تفرشی، مرتضی، پلیس خفیه ایران (مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخیچه شهربانی، ضرغام بروجنی، جمشید، دولت های عصر مشروطیت، غنی، سیروس، ایران، برآمدن رضا خان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسها، و دهها اثر دیگر از این دست.

۳-۱ روش تحقیق

روش تحقیق در این نوشتار به همان روش سنتی کتابخانه ای که فیش برداری و ملاحظه اسناد را همراه خود داشته انجام پذیرفته است.

و نهایتاً اینکه، مسلماً این اثر دارای نواقص و کاستیهای می باشد که امید است اهل تحقیق به دیده اغماض به آن نگریسته و از راهنمایی هایشان حقیر را بی بهره نگذارند.

فصل دوم

تأملی بر روند تاریخی تحولات ایران

در دوره قاجار

۲-۱ سیر رخدادها

۲-۱-۱ پایه ریزی یک دولت نوین (آقا محمدخان)

بعد از قریب هفتاد و پنج سال که از سقوط صفویه می گذشت و ایران شاهد روی کار آمدن حکومت های بی تجربه وزودگذر بود نوبت به قاجار ها رسید که توانستند از خستگی مفرط مردم و میل آنها به ثبات و آرامش استفاده کنند و با تکیه بر زور و قدرت ایلی خود حکومت پردوامی تشکیل دهند. تاسیس این سلسله با حوادث مهمی در جهان همزمانی پیدا کرد که از جمله آنها انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹/۵۱۳۰۴ م. و ظهور ناپلئون در ۱۷۹۹/۵۱۲۱۴ ق. بود و از سوی دیگر گسترش استعمار اروپایی که از دو سوی شمال و جنوب، به مرزهای ایران نزدیک شد و سراسر دوران یک صد و چهل ساله قاجارها را فرا گرفت.

نخستین کس از این خاندان که توانست بعد از دو نسل تلاش پدران خود حکومت را در دست بگیرد آقا محمد خان قاجار (۱۲۰۰-۱۲۱۱ ه.ق) بود.

آقا محمد خان پسر محمد حسن قاجار است. فتحعلی خان پدر محمد حسن خان که در زمان خود قصد صرف تاج و تخت را داشت به تحریک نادر کشته شد. محمد حسن خان از آن پس تا نادر شاه زنده بود نتوانست دست به اقدامی بزند، اما پس از قتل نادرشاه، او نیز یکی از مدعیان قدرت شد و در جنگ با کریم خان زند به قتل رسید (۱۷۱۱ ه.ق) هر چند مورخان عصر قاجار این عصر هر دو را در شمار سلاطین سلسله رقم می زنند ولی حق آن است که آنان را مدعیان قدرت بنامیم. باری کریم خان، آقا محمد خان و برادر وی حسینقلی خان (پدر باباخان، فتحعلی شاه بعدی) را به شیراز برد و آقا محمد خان تا روز وفات کریم خان در آن شهر به سر برد. پس از فوت کریم خان به وسیله عمه خود که در دربار خان زند بود از ماجرا خبردار شد و زیرکانه از شیراز گریخت و پس از جنگ های متعددی با

بازماندگان کریم خان سرانجام در سال ۱۲۰۹ ه.ق بر لطفعلی خان دست یافته او را کشت و سلسله قاجاریه را بنیان گذاشت.

حکومتی که آقا محمد خان، در ایران تاسیس کرد نتیجه یک سری عوامل می باشد که اغتشاش و هرج و مرج در کشور و ناامنی و بی ثباتی موجود در آن باعث شد که او پس از جنگهای متمادی با مدعیان سلطنت به آن دست یابد او بیشتر یک رئیس قبیله بود. تا یک پادشاه روحیه نظامی و شجاعت و تهور او توانست ایران را یکپارچه سازد، کاری که بعد از یک دوره ۱۰ ساله اتفاق نیفتاده بود.^۱

در خلال سال های ۱۲۰۹ ه.ق تا ۱۲۱۰ ه.ق که هراکلیوس دوم فرمانروای گرجستان سر از اطاعت آقا محمد خان پیچیده بود، خان قاجار به گرجستان لشکرکشی کرد و قتل عام شدیدی در تفلیس انجام گرفت. سپس در ۱۲۱۰ ه.ق به خراسان رفت و شاهرخ افشاری را برای گرفتن گنجینه های نادری تحت شکنجه قرار داد و او را به مازندران فرستاد که شاهرخ در بین راه وفات یافت. آقا محمد خان پس از مراجعت از خراسان برای بار دوم به قفقاز لشکر کشی کرد و هنگامی که یکی از قلاع شوشی را مسخره کرده بود به دست سه تن از خدمتکاران خود کشته شد.^۲؛ با مرگ وی دولت قاجار اولین و آخرین مرد قدرتمند و سیاستمدار خود را از دست داد. کشور در بحر بلا افتاد و ایران در صحنه رقابت های سیاسی دول طماع اروپایی گرفتار آمد.

۲-۱-۲ عبور از بحران روابط خارجی (فتحعلی شاه و محمدشاه)

پس از قتل عمویش بر تخت سلطنت جلوس کرد. از وقایع مهم دوران پادشاهی او، آمدن نمایندگان انگلیس (سرجان مالکم، سرهارفورد جونز، سرگور اوزلی) و فرانسه (ژوبر، رومیو، ژنرال گاردان) به ایران و انعقاد قرار دادهای سرجان مالکم، مجمل و مفصل با انگلیس و فین کن اشتاین با فرانسه بود. جنگ های متعددی نیز میان ایران و روسیه

^۱ صادق زیباکلام، سنت و مدرنیسم، صص ۱۴۰-۱۳۰

^۲ دنبلی، مآثر سلطانیه، صص ۴۴-۱۴؛ شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، صص ۴۸-۲۲؛ هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، صص ۲۰۱-۱۷۹، ایران و جهان، ج ۲، صص ۳۰-۵؛ همچنین جهت اطلاع تفصیلی نگاه کنید به ناسخ التواریخ، سپهر (لسان الملک)، محمد هاشم آصف (رستم الحکماء)، رستم التواریخ، بینا، تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران، اعتماد السلطنه، منتظم ناصری، هدایت، تاریخ روضه الصفای ناصری (ملحقات روضه الصفا)، ج ۹، ۱۰، واتسن، تاریخ قاجار، سرجان مالکم، تاریخ ایران، صص ۲۶۷

اتفاق افتاد که به دنبال آنها عهد نامه های شوم گلستان و ترکمانچای منعقد گردید (۱۲۲۸ و ۱۲۴۳). فتحعلی شاه پسر خود عباس میرزا را به ولایت عهدی برگزیده بود اما این مرد هم که شاید از با لیاقت ترین فرزندان وی محسوب می شد و در جنگ های ایران و روس شجاعت هایی از خود نشان داده بود، یکسال زودتر از پدر فوت شد و شاه نیز در ۱۲۵۰ درگذشت.^۱ در حالی که تمامی مناطق آن سوی ارس که شامل اران و شروان و ارمستان و گرجستان می شد، همه را به دولت روس واگذاشته بود.

فتحعلی شاه با توجه به علاقه ای که به عباس میرزا داشت به جمع کثیر پسرانی که از زنان دیگر خود یافته بود وقعی ننهاد و من باب قدردانی از خدمات ولی عهد فقید خویش، فرزند او محمد میرزا را به جانشینی تعیین ساخت. در ابتدا میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی وزارت او را عهده دار گردید اما در مقام وزارت به فرمان محمد شاه به قتل رسید و تعهد امری چنان مهم به عهده معلم سرخانه وی، میرزا عباس ایروانی، مشهور به حاج میرزا آقاسی گذاشته شد. این شخص به مدت چهارده سال یعنی تا سال آخر سلطنت محمد شاه دارای این منصب بود و محمد شاه او را مراد و خود را مرید وی می دانست.

در اواخر سلطنت فتحعلی شاه، حاکم هرات، کامران میرزا اسماً از ایران تبعیت می کرد اما در باطن صفایی با دولت مرکزی به خرج نمی داد و حتی گهگاه به سیستان می تاخت. عباس میرزا برای تنبیه او به هرات حمله کرد و چون به واسطه شنیدن خبر کسالت فتحعلی شاه به تهران احضار شد، محمد میرزا را مامور محاصره آنجا نمود.

پس از مرگ ناگهانی عباس میرزا، محمد میرزا با کامران میرزا صلحی منعقد کرد و به تهران بازگشت تا مقامی را که برای پدر تعیین شده بود احراز کند. بدین سان پس از جلوس بر تخت سلطنت، محمد شاه بار دیگر به محاصره هرات پرداخت اما انگلیسی ها که از این کار رضایت نداشتند و با تبلیغات شدید وانمود می کردند که این امر به تحریک روس ها انجام شده است، با کشتیهای جنگی خود به تصرف جزیره خارک پرداختند و محمد شاه ناچار با تحمل خسارات و تلفات زیاد به تهران بازگشت (۱۲۵۴). از وقایع دیگر این دوره داستان آقا خان محلاتی بود که محمد شاه در

^۱ دنبلی، مآثر سلطانی، صص ۳۹۲-۴۸؛ سایکس، تاریخ ایران، صص ۷۲-۴۳۳، شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، صص ۱۲۱-۵۳، نوایی، ایران و جهان، ج ۲ صص ۳۱۸-۳۰، هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، صص ۲۴۸-۱۹۷، گاردان، خاطرات ماموریت ژنرال گاردان در ایران، ص ۱۹۷

۱۲۵۱ ه. ق حکومت کرمان را به او سپرده بود. وی سر به طغیان برداشت و پس از شکست به هند رفت و در پناه انگلیسی ها که حمایتش می کردند مأوی گرفت (۱۲۵۷).

از وقایع دیگر دوره محمد شاه باید به شورش سالار پسر اللهیار خان آصف الدوله قاجار، صدر اعظم سابق فتحعلی شاه اشاره کرد که حمزه میرزا برادر شاه آن شورشی را سرکوب ساخت. و نیز ظهور سید علی محمد شیرازی از فرقه شیخیه (پیروان شیخ احمد احسائی) به عنوان باب بود. در چهارمین سال پادشاهی او، میرزا صالح شیرازی که از محصلین اعزامی به خارج بود، روزنامه ای منتشر ساخت به نام «کاغذ اخبار» یا روزنامه میرزا صالح شیرازی، محمد شاه در ۶ شوال ۱۲۶۴ فوت شد^۱ صدر اعظم او نیز که عرصه را بر خود تنگ می دید از صحنه گریخت و ترجیح داد که شاه آینده را با مشکلات متعددی که در سر راهش بود تنها بگذارد.

۲-۱-۳ مقدمات تشکیل دولت مدرن (ناصرالدین شاه)

سال های پایانی عمر محمد شاه در افسوس و ندامت گذشت و اوهیج گاه غصه از دست دادن هرات و وهنی را که بر خود و ارتش او وارد شده بود فراموش نکرد. پس از مرگ محمد شاه پسر او ناصر الدین میرزا با نام ناصر الدین شاه به سلطنت رسید. مهد علیا مادر او با کمک انگلیسی ها و ایادی تابع آن دولت چون میرزا آقا خان نوری که رسماً این ننگ را پذیرفته بود، تا رسیدن شاه از تبریز به تهران زمان امور را در دست داشت.

از آن سوی میرزا تقی خان فراهانی امیر نظام، با لقب اتابک اعظم به وزارت تعیین شد. در این حال مجدداً سالار شورش کرد و امیر کبیر، سلطان مراد میرزا برادر حشمت الدوله را مامور سرکوبی او ساخت. سلطان مراد میرزا وی را به سختی شکست داد و در مشهد به قتل رساند. آنگاه امیر کبیر به اقدامات اصلاحی پرداخت. امور داخلی را سرو سامان داد، صنایع را رونق بخشید، تجارت را به تکاپو انداخت و از تعدیات دول طامع بیگانه نیز کاست، اما مهد علیا مادر ناصرالدین شاه و میرزا آقا خان نوری و انگلیسی ها، شاه را وادار به عزل امیر نمودند. درباریان نیز که محل های درآمد نامشروع خود را از دست داده بودند و به حکم امیر از رفتن به سفارتخانه ها خارجی منع می شدند از این عمل استقبال

^۱ شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، صص ۵۵-۱۲۴؛ سایکس، تاریخ ایران، ج ۲، صص ۸۷-۴۷۳؛ خان ملک ساسانی، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، صص ۲۱-۱۲؛ ایران و جهان، ج ۲، صص ۵۰۰-۳۱۸؛ تاریخ روابط خارجی ایران، صص ۶۳-۲۴۵؛ میرزا صالح شیرازی، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، ص ۶۹